ادامه از صفحه ۱۶

ما پزشکان چه کرده‌ایم؟

ناعادلانه است. همه می‌دانیم. اما آیا راه درست، برای جبران آن، انجام روش‌های متداول فعلی است؟ که آنگاه، دردمندی که اتفاقا دست به قلم هم دارد یا تریبونی برای سخن‌گفتن، این‌گونه همه ما را به یک چوب بنوازد؟ آری جامعه ما پویا و هوشمند است. همه می‌دانند ولی گاها سخن نمی‌گویند. بارها و بارها، همه ما گلایه‌های بیماران را از بی‌حوصلگی پزشکان و بی‌اخلاقی‌هایشان شنیده‌ایم که پول را مقدم بر جان مریض خود می‌دانند. آیا نمی‌شود مدیریت مطب و بیمارستان را اصلاح و تعداد محدودی بیمار را ویزیت کرد؟ و بیماران اضافی را با روی خوش و بادقت، به همکاران و مراکز دیگر ارجاع داد؟ سال‌هاست به همه بیمارانی که از موارد گفته شده گله‌مند هستند، توصیه می‌کنیم: در هر مرکز درمانی و مطبی که بودید و پزشک، وقت و احترام لازم را برای شما منظور نکرد، با برخوردی انسانی، اجازه و افتخار تشخیص و درمان را از او سلب کنید. مردم ما چرا این‌گونه نمی‌کنند؟ از چه چیزی می‌هراسند؟

پس بدانیم از ماست که برماست. هم‌وطنان عزیزم شما هم وظیفه‌ای دارید. همکاری گفته است: مردم چون سیستم سلامت را نمی‌شناسند، پزشک را نقد می‌کنند. آیا اینجا تقصیری بر مردم وارد است؟ خود من و شما برای اصلاح این سیستم چه کرده‌ایم؟ چقدر پافشاری کرده‌ایم؟ و پس از مدتی، خود نیز، متأسفانه، قسمتی از این چرخه معیوب شده‌ایم. کجا سراغ داریم که پزشکان پردرآمد و نامی، به حمایت از سایر پزشکان کم‌درآمد، سخنرانی و برنامه‌ریزی کنند؟ یا درد پرستاران را دریابند؟ و در کجای دنیا این‌همه اختلاف شدید در درآمد گروهی پزشکی گزارش می‌شود؟ چگونه ممکن است پزشکان عمومی و متخصصان داخلی و اطفال و عفونی و... پرستاران عزیز که بیشترین بار درمانی کشور را برعهده دارند، حداکثر در بهترین شرایط هم، شرمنده خانواده خود شوند و آنگاه افراد دیگری به کمتر از چند صد میلیون و میلیارد هم راضی نباشند و شانه‌به‌شانه تجاوز گفته شده پیش بروند؟

دردناک است. به‌ویژه وقتی یک پزشک اینها را بگوید. آری کارد دیگر به استخوان رسیده و اتفاقا اینجا دیگر، چاقو دسته خود را هم می‌برد.

آنگاه انتظار داریم ما را نقد نکنند، چون پزشک نیستند؟ حق نقد ندارند! چون به ما بی‌حرمتی می‌شود؟ آری همکارانم، حق با مردم است. با اینکه اکثر ما مظلوم واقع شده‌ایم، ولی کلا بد عمل کرده‌ایم و جامعه به ما بدبین شده است. وقتی خودمان، پیگیر نقایص سیستم خود نباشیم، جامعه و روزگار با بی‌رحمی، تروخشک را با هم می‌سوزاند.

بنده حقوق‌دان نیستم؛ ولی این را می‌دانم که خطاهای انجام‌شده در هر صنفی، با سازوکارهای خاصی که قانون‌گذار مشخص کرده، ابتدا در محکمه تخصصی آن صنف بررسی می‌شود. برای مثال اگر یک وکیل توانایی دفاع از حقوق موکل خود را نداشته باشد و همه چیز او و خانواده‌اش را بر باد دهد، آیا در دادگاه‌های عمومی، باید پاسخ‌گوی شکایت موکل خود باشد؟ یا قاعدتا با سازوکارهای مشخص‌شده قانونی، در دادگاه‌های خاص صنف وکلا، این شکایت پیگیری می‌شود؟ از طرف دیگر، اگر یک پزشک در جامعه، جرمی را مرتکب شود، آیا او را به سازمان نظام‌پزشکی ارجاع می‌دهند؟ خیر، بلکه او هم مثل همه مردم عادی و طبق قانون، در دادگاه‌های عمومی حاضر و محاکمه خواهد شد؛ اما درباره آن محکمه‌های خودمانی در سازمان نظام‌پزشکی که متهم به ساده‌انگاری و مدارا شده‌اند، به وسیله ضابطان، به عرض می‌رسانم که در آن سازمان، برای حفظ حقوق بیماران، چنان برخوردهای تند و جدی‌ای صورت می‌گیرد که پزشک آرزو می‌کند که ای کاش در دادگاه‌های عادی محاکمه می‌شد و به زندان فرستاده می‌شد. نگران نباشید جناب وکیل، در اکثر موارد، ضمن توبیخ و دیگر روش‌های اعمال قانون، چنان آن پزشک به دلیل خطای انجام‌شده سرزنش می‌شود که تا پایان عمر، آن لحظات سخت و دردناک را فراموش نکرده و هرگز هوس تکرار خطا به ذهن او خطور نخواهد کرد. حال اگر استثنائی وجود داشته که جناب‌عالی خبر دارید، درباره آن نظری نداشته و ندارم؛ پس به قول بزرگی که به‌تازگی فرموده بودند که سکوت عاقلانه از طلا هم ارزشمندتر است، آب را بیشتر گل‌آلود نکنیم و حرمت خود و دیگران را حفظ کنیم. و کلامی دیگر با مسئولان رسانه ملی: آیا توجه کرده‌اید که با این مدلی که در کشور برنامه‌های پزشکی ساخته می‌شود و پزشکان نامی و بانفوذ در برنامه‌های گوناگون با زیرنویس نام و تخصص، به توضیح بیماری‌های مختلف در زمینه تخصص خود، مانند کلاس درس می‌پردازند، چه میزان نگرانی در آحاد جامعه شکل گرفته و چگونه انبوه مخاطبانی، ترسیده از بیماری فوق، راهی مطب پزشکان می‌شوند؟ این روش از کجا الگوبرداری شده و کدام کارشناس خبره علوم رسانه، آن را تأیید کرده است؟ که والله‌العظیم، شبکه‌های ماهواره‌ای که فقط هدف مالی دارند، نیز این‌گونه نمی‌کنند؛ چه برسد به رسانه ملی و بیت‌المال. چرا با این برنامه‌های غیرکارشناسی‌شده و بی‌توجهی به نظرات کارشناسان خبره در علوم رسانه، باعث به‌هم‌خوردن اعتمادبه‌نفس مردم نسبت به سلامتی خود شده و سرعتی بیشتر به تداوم چرخه معیوب سیستم درمانی می‌دهید؟

مخالفت دانشگاهیان با شیوه‌های مقابله با شب‌پره آفت شمشاد در جنگل‌های هیرکانی

شمال را سم‌پاشی نکنید

صدرا محقق: «نابودی ۴۰میلیون درخت شمشاد در جنگل‌های شمال»، «خطر نابودی ذخیره‌گاه شمشاد ایران»، «لزوم تشکیل ستاد بحران برای جنگل‌های شمال»، «کمبود بودجه برای نجات جنگل‌های هیرکانی» این تنها بخشی از تیترها و عناوینی است که در روزهای اخیر در رسانه‌های مختلف چاپی و آنلاین ایران درباره بروز یک آفت به نام «شب‌پره شمشاد» در جنگل‌های شمال منتشر شده است. حشره‌ای که در بروشورهای سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور از آن با عنوان «یک آفت خطرناک و جدید» یاد شده است.

در چنین شرایطی که همه به صورت قطعی از «نابودی جنگل‌ها» صحبت می‌کنند، مسئولان سازمان جنگل‌ها نیز از تشکیل «ستاد بحران» و نیاز به «مقابله سریع» و «لزوم تأمین بودجه کافی» برای رفتن به جنگ این مشکل سخن می‌گویند. راهکاری که براساس خبرها و بروشورهای منتشرشده در این زمینه، استفاده از سموم شیمیایی برای ازبین‌بردن این آفت بخش ثابتی از آن است. به‌عنوان مثال در بروشوری که به همین منظور اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان مازندران تهیه کرده است، بهترین روش مهار این آفت به این شرح توصیه شده است:

کانون‌کوبی با تلفیق هم‌زمان این روش‌ها: کنترل مکانیکی: جمع‌آوری و انهدام برگ‌ها و سرشاخه‌های حاوی لارو و شفیره، هرس سرشاخه‌ها و انهدام آنها. کنترل میکروبیولوژیکی: استفاده از فرآورده‌های B.t و بووارویا به صورت محلول‌پاشی در سنین لاروی. کنترل هورمونی: استفاده از دیمیلین در سنین اولیه لاروی. کنترل شیمیایی: استفاده از سموم سیستمیک، تماس و گوارشی مناسب مانند سایپرمترین علیه لاروها.

در همین شرایط ۴۶ نفر از شناخته‌شده‌ترین و برجسته‌ترین استادان دانشگاهی ایرانی، از حشره‌شناس و بوم‌شناس و گیاه‌شناس، دست به کار نوشتن نامه‌ای شده‌اند که جانمایه اصلی نامه‌شان این است: سم‌پاشی نه‌تنها راهکار مقابله با این معضل نیست، بلکه خود منجر به بروز مشکلاتی بسیار بزرگ‌تر و خطرناک‌تر برای جنگل‌های هیرکانی کشور می‌شود. طبق گفته این استادان تجربه دیگر کشورهای جهان -به‌خصوص اروپا- نشان می‌دهد، به‌کارگیری روش‌های ایمن یا بیولوژیک بسیار مؤثرتر و سازگار با محیط‌زیست است. به‌ویژه آنکه این آفت فقط برگ و کمی از پوسته درختان را می‌خورد و نمی‌توان فعالیت آن را برابر با مرگ و نابودی درختان دانست.

در بخشی از این نامه، به صراحت آمده است: «سمپاشی بی‌وقفه و گسترده‌ای که در جنگل‌های بکر و یگانه هیرکانی شروع شده است، در قدم نخست خاک را آلوده کرده و زیست‌مندان آن (به‌ویژه ویروس‌ها و باکتری‌های مفید) را از بین می‌برد. علاوه بر آن بسیاری از پرندگان (مهاجر و بومی) و نیز

شب‌پره آفت شمشاد/عکس: lepiforum

حشرات به واسطه این سموم از بین رفته یا مهاجرت خواهند کرد. بسیاری از این پرندگان و حشرات، گونه‌هایی بومی بوده و از دشمنان طبیعی سایر آفات محسوب می‌شوند و نقش مؤثری در کنترل بیولوژیک بسیاری از آفات ایفا می‌کنند و ازبین‌رفتن آنها سبب طغیان آفات متعدد گیاه‌خوار در سال‌های آتی خواهد شد». نویسندگان این نامه که به صورت اختصاصی آن را در اختیار «شرق» قرار داده‌اند، در حقیقت دست تمنای نگران خود را به سوی رئیس‌جمهور کشور دراز کرده و از او خواسته‌اند جلوی این اتفاق را بگیرد که می‌تواند خطراتی بزرگ را به دنبال داشته باشد. در بخش انتهایی این نامه، این‌طور آمده است: «نویسندگان این نامه سرگشاده، به نمایندگی جمعی کثیر از زیست‌شناسان، بوم‌شناسان و محققان حشره‌شناس دانشگاهی و مراکز تحقیقاتی، از مدیران ارشد کشور و به‌ویژه دکتر حسن روحانی، رئیس‌جمهور کشور، تقاضا دارند قبل از اینکه مشکل پیچیده‌تری به مشکلات زیست‌محیطی ایران عزیزمان تحمیل شود، بی‌درنگ وارد صحنه شده و دستور توقف کاربرد ترکیبات و محلول‌های شیمیایی (به هر شکل و با هر نام تجاری) را در جنگل‌های بی‌نظیر شمال ایران صادر فرمایند. بدیهی است تشکیل کمیته‌ای تخصصی متشکل از استادان دانشگاهی، پژوهشگران رشته‌های بوم‌شناسی، حشره‌شناسی و جنگل قبل از هر اقدام بعدی ضروری است.

این نامه در حقیقت واکنشی بی‌پرده و جدی به اقداماتی است که مسئولان سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور و همچنین سازمان حفظ نباتات برای مقابله با این آفت در دستور کار قرار داده‌اند.

نگاهی به سابقه اخبار درباره این آفت نشان می‌دهد حشره آفت شب‌پره شمشاد که یک آفت خارجی و جدید برای طبیعت ایران محسوب می‌شود، اولین‌بار در خردادماه امسال (۹۵) در پارک بنفشه چالوس و محوطه هتل هایت و نمک‌آبرود مشاهده شد، که در ادامه دامنه اثرگذاری این آفت از آستارا، در غرب استان گیلان تا شرق استان مازندران افزایش یافته است.

تنها گیاهی که این آفت در جنگل‌های هیرکانی شمال ایران به آن حمله کرده است، شمشاد خزری، یکی از گونه‌های پهن‌برگ، همیشه‌سبز جنگل‌های شمال ایران است که جزء ذخایر جنگلی محسوب می‌شود و براساس قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی مصوب سال ۱۳۷۱ قطع آن ممنوع است.

سم‌پاشی و استفاده از ترکیبات شیمیایی برای مقابله با این آفت در شرایطی در شمال کشور در دستور کار قرار گرفته است که محققان حشره‌شناس معتقدند: «اساسا زیستگاه‌های طبیعی را نباید با مزارع کشاورزی یا گلخانه‌ها مقایسه کرد. در مزارع کشاورزی، تمام تلاش ما این است که سیستم را به قدری ساده کنیم که به آسانی بتوان آن را کنترل و مدیریت کرد؛ ولی درهم‌تنیدگی فوق پیچیده اکوسیستمی مانند جنگل امکان مدیریت آسان را (مثل آنچه در مزارع انجام می‌دهیم) از ما می‌گیرد. برای مدیریت اکوسیستم‌های طبیعی باید نگاهی کل‌گرا و همه‌جانبه پیشه کرد؛ چراکه کوچک‌ترین خطایی ممکن است سبب ازهم‌گسستگی حلقه‌های شبکه حیات در این اکوسیستم‌ها شود و این اتفاقی جبران‌ناپذیر است. درحال‌حاضر جمعیت این حشره بیش از ۴ هزار هکتار از جنگل‌ها را در بر گرفته، همین کار مبارزه شیمیایی را خطرناک‌تر و پیچیده‌تر می‌کند. چرا باید در محدوده بسیار وسیعی سم‌پاشی صورت گیرد. ما هنوز تصویر روشن و دقیقی از گونه‌های ساکن جنگل‌های شمال نداریم. تصور کنید در چنین محدوده‌ای گونه‌ای نایاب با پراکنش محدود زندگی کند که این سم‌پاشی آن گونه را نابود کند؛ به‌علاوه در چنین مقیاس وسیعی جمعیت بالایی از گونه‌های حشرات مفید را نیز به همراه حشره آفت از بین می‌بریم. همین موضوع می‌تواند دلیل انفجار گونه‌های آفت دیگری شود. از سویی نباید درختان برهنه را مرده دانست. این درختان زنده‌اند و سال بعد سبز می‌شوند. این تجربه‌ای است که در دیگر کشورها تأیید شده؛ یعنی جمعیت آفت در سال‌های بعد اُفت کرده و با محیط سازگاری حاصل کرده است. حتی ما در کشور خودمان هم مثال‌های فراوانی از شب‌پره‌های آفت را داشته‌ایم که سم‌پاشی هیچ اثر چشمگیری بر جمعیت‌شان نداشته؛ درحالی‌که با گذشت زمان با محیط به تعادل رسیده‌اند (مثل شب‌پره ابریشم‌باف ناجور). حتی ممکن است دراین‌میان از این ۴۰ میلیون درخت یک میلیون هم بمیرند؛ حتی در آن صورت هم کاشتن مجدد درختان هزینه کمتری از برهم‌زدن اکوسیستم دارد؛ چراکه دومی راهی است بازگشت‌ناپذیر».

«متن کامل نامه نوشته‌شده توسط ۴۶ استاد دانشگاه و اسامی آنها در این رابطه در ادامه آمده است:

هشدار محققان و دانشگاهیان درباره اثرات زیان‌بار شیوه مدیریت شب‌پره آفت شمشاد

شب‌پره آفت شمشاد با نام علمی (Cydalima perspectalis WALKER, 1859) شب‌پره‌ای متعلق به خانواده علف‌بیدان (Crambidae) است. این شب‌پره که خاستگاه اولیه‌اش شرق آسیا گزارش شده است، در اوایل قرن حاضر به اروپا وارد شده و هم‌اکنون در تمام کشورهای حوزه مدیترانه (از شرق تا غرب اروپا و تا مرزهای ایران) گسترش یافته است. در ماه‌های اخیر وجود این حشره روی درختان شمشاد در جنگل هیرکانی شمال ایران گزارش شده است. از آنجا که جمعیت حشره آفت در بعضی مناطق در حد بالایی است، طبعا میزان خسارت آن هم شدید ارزیابی شده است. به همین دلیل و در پی تشکیل ستاد بحران، سازمان حفظ نباتات و ادارات جنگل‌بانی شهرهای شمالی کشور برنامه سم‌پاشی گسترده‌ای را بدون توجه به مخاطرات زیست‌محیطی در این جنگل‌ها شروع کرده‌اند. همچنین بسیاری از مسئولان، مردم را به سم‌پاشی محیط دعوت کرده‌اند. در این بین چند موضوع قابل توجه و تأمل است:

● این شب‌پره تنها از گونه‌های شمشاد تغذیه می‌کند و به سایر گیاهان اعم از کشاورزی، جنگلی و مرتعی خسارتی وارد نمی‌کند. علاوه بر آن، این آفت عموما از برگ و به مقدار کم از پوسته ساقه شمشاد تغذیه می‌کند و این نحوه تغذیه سبب مرگ درختان نمی‌شود. درحالی‌که بی‌برگی موقت درختان شمشاد به کنترل طبیعی، متعادل‌سازی و کاهش جمعیت این حشره کمک می‌کند. این تجربه در کشورهای اروپایی درباره این آفت مشاهده و تأیید شده است. به‌علاوه به‌کارگیری روش‌های ایمن یا بیولوژیک (نظیر تله‌های فرومونی و نوری برای شکار انبوه، به‌کارگیری دشمنان طبیعی، کنترل میکروبی نظیر Bt) بسیار مؤثرتر و سازگار با محیط زیست در اختیار متخصصان و قابل‌استفاده توسط کارشناسان است.

● سم‌پاشی بی‌وقفه و گسترده‌ای که در جنگل‌های بکر و یگانه هیرکانی شروع شده است، در قدم نخست خاک را آلوده می‌کند و زیست‌مندان آن (به‌ویژه ویروس‌ها و باکتری‌های مفید) را از بین می‌برد. علاوه بر آن بسیاری از پرندگان (مهاجر و بومی) و نیز حشرات به واسطه این سموم از بین رفته یا مهاجرت خواهند کرد. بسیاری از این پرندگان و حشرات، گونه‌هایی بومی بوده و از دشمنان طبیعی سایر آفات محسوب می‌شوند و نقش مؤثری در کنترل بیولوژیک بسیاری از آفات ایفا می‌کنند و ازبین‌رفتن آنها سبب طغیان آفات متعدد گیاه‌خوار در سال‌های آتی خواهد شد.

● علاوه بر آن، گسترش سموم کشاورزی در متراکم‌ترین منطقه جمعیتی ایران بر سلامت انسان‌های ساکن این مناطق اثرات مخربی دارد. سموم شیمیایی، آب‌های جاری و زیرزمینی را آلوده می‌کنند و وارد سیستم‌های آب شهری می‌شوند. در این صورت آیا باید از دیدن نرخ بالای سقط جنین حیرت کنیم؟ آیا می‌توان سرطان‌هایی را که حاصل و اثر این سموم هستند نادیده گرفت؟ آیا کسی می‌تواند پاسخ‌گوی برهم‌خوردن تعادل طبیعی و متعاقب آن نابودی گونه‌های جانوری باشد؟

● در کنار همه این موارد، نمی‌توان چشم بر تبعات اقتصادی سنگین این شیوه مبارزه بست. اگرچه سم‌پاشی فرایندی به‌ظاهر کم‌هزینه است ولی کاربرد این ترکیبات شیمیایی باعث آلوده‌کردن منطقه‌ای خواهد شد که هیچ قیمتی نمی‌توان برای آن متصور شد. منطقه‌ای که جولانگاه پستانداران ارزشمندی مانند پلنگ و مرال بوده و تنها چند قدم با بزرگ‌ترین مخزن ماهیان خاویاری کشور فاصله دارد. آب‌های سطحی این سموم را به دریا می‌ریزند و این خود عاملی برای کاهش ذخایر ماهیان (و به‌ویژه ماهیان خاویاری) کشور خواهد بود.

● همچنین یادمان باشد که طبیعت مرزهای جغرافیای سیاسی را تشخیص نمی‌دهد و هر حرکتی در جهت تولید آلاینده‌های زیست‌محیطی از سوی ایران، اعتراض کشورهای همسایه را نیز به دنبال خواهد داشت.

موارد فوق تنها مجملی از قصیده مفصل پروژه‌های غیرکارشناسی است. نوار شمالی کشور و جنگل‌های بکر و قدیمی هیرکانی مهم‌ترین زیستگاه تنوع زیستی کشور محسوب می‌شود. زیستگاه‌هایی که باید مانند جانمان در حفظ و حراست از آنها بکوشیم و تمام ظرفیت و توان علمی کشور را در این راستا بسیج کنیم. نویسندگان این نامه سرگشاده، به نمایندگی جمع کثیری از زیست‌شناسان، بوم‌شناسان و محققان حشره‌شناس دانشگاهی و مراکز تحقیقاتی، از مدیران ارشد کشور و به‌ویژه دکتر حسن روحانی، رئیس‌جمهور کشور، تقاضا دارند قبل از اینکه مشکل پیچیده‌تری به مشکلات زیست‌محیطی ایران عزیزمان تحمیل شود، بی‌درنگ وارد صحنه شده و دستور توقف کاربرد ترکیبات و محلول‌های شیمیایی (به هر شکل و با هر نام تجاری) را در جنگل‌های بی‌نظیر شمال ایران صادر فرمایند. بدیهی است تشکیل کمیته‌ای تخصصی متشکل از استادان دانشگاهی، پژوهشگران رشته‌های بوم‌شناسی، حشره‌شناسی و جنگل قبل از هر اقدام بعدی ضروری است.

نویسندگان:

۱. عبدالحسین وهابزاده (بوم‌شناس)
۲. دکتر علی‌اصغر طالبی (حشره‌شناس، عضو هیأت‌علمی و ریاست دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس)
۳. دکتر بهرام کیابی (بوم‌شناس، عضو هیأت‌علمی دانشکده علوم، دانشگاه شهید بهشتی)
۴. دکتر محمدسعید مصدق (حشره‌شناس، عضو هیأت‌علمی دانشکده کشاورزی، دانشگاه چمران اهواز)
۵. دکتر مهدی اسفندیاری (حشره‌شناس، عضو هیأت علمی دانشکده کشاورزی، دانشگاه شهید چمران اهواز)
۶. دکتر سیدابراهیم صادقی (حشره‌شناس، عضو هیأت‌علمی مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع)
۷. دکتر سمیرا فراهانی (حشره‌شناس، عضو هیأت‌علمی مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع)
۸. دکتر احسان رخشانی (حشره‌شناس، عضو هیأت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه زابل)
۹. دکتر حسین رجائی (حشره‌شناس، عضو هیأت علمی موزه تاریخ طبیعی اشتوتگارت-آلمان)
۱۰. دکتر رضا طلایی (حشره‌شناس، عضو هیأت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران)
۱۱. دکتر نجمه ابراهیمی (حشره‌شناس، دانشگاه تربیت مدرس)
۱۲. دکتر حمزه ایزدی (حشره‌شناس، عضو هیأت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه ولی عصر رفسنجان)
۱۳. دکتر حسین آخانی (گیاه‌شناس، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران)
۱۴. سایه سری (حشره‌شناس، عضو هیأت علمی مؤسسه تحقیقات گیاه‌پزشکی کشور)
۱۵. دکتر عباسعلی زمانی (حشره‌شناس، عضو هیأت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه)
۱۶. دکتر صراف معیری (رئیس پژوهشکده فناوری‌های نوین زیستی دانشگاه زنجان)
۱۷. دکتر اصغر شیروانی (حشره‌شناس، عضو هیأت علمی گروه گیاه‌پزشکی، دانشگاه شهید باهنر کرمان)
۱۸. دکتر حسین اللهیاری (حشره‌شناس، عضو هیأت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران)
۱۹. دکتر شهروز کاظمی (حشره‌شناس، عضو هیأت علمی دانشگاه تحصیلات تکمیلی صنعتی و فناوری پیشرفته کرمان)
۲۰. دکتر حسین لطفعلی‌زاده (حشره‌شناس، دانشیار و رئیس مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی آذربایجان شرقی)
۲۱. دکتر امید جوهرچی (حشره‌شناس، عضو هیأت علمی گروه گیاه‌پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی)
۲۲. مهندس جلیل علوی (حشره‌شناس، عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی خراسان شمالی)
۲۳. دکتر سیدمحمد تبادکانی (حشره‌شناس، دانشگاه تهران)
۲۴. دکتر عبدالحسین طاهری (عضو هیأت علمی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان و مشاور مرکز هیأت‌های امنا و ممیزه وزارت علوم)
۲۵. مهندس معصومه مقدم (حشره‌شناس، عضو هیأت علمی مؤسسه تحقیقات گیاه‌پزشکی کشور)
۲۶. دکتر حبیب عباسی‌پور (حشره‌شناس، عضو هیأت علمی دانشکده کشاورزی، دانشگاه شاهد)
۲۷. دکتر حاجی‌محمد تکلوزاده (عضو هیأت علمی دانشکده کشاورزی شهید باهنر کرمان و مشاور استاندار استان کرمان)
۲۸. دکتر شایان شامحمدی (عضو هیأت علمی و رئیس دانشگاه شهرکرد)
۲۹. دکتر علیرضا صبوری (حشره‌شناس، عضو هیأت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران)
۳۰. دکتر کامبیز مینایی (حشره‌شناس، عضو هیأت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز)
۳۱. دکتر سعید عشقی (متخصص میوه‌های ریز، هیأت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز)
۳۲. دکتر حسن صالحی (متخصص گیاهان زینتی هیأت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز)
۳۳. دکتر جواد کریم‌زاده (حشره‌شناس، عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی اصفهان)
۳۴. دکتر حسین مددی (حشره‌شناس، عضو هیأت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا همدان)
۳۵. دکتر ولی‌الله بنی‌آمری (حشره‌شناس، عضو هیأت علمی مؤسسه تحقیقات گیاه‌پزشکی کشور)
۳۶. دکتر کتایون خردمند (حشره‌شناس، عضو هیأت علمی پردیس ابوریحان دانشگاه تهران)
۳۷. دکتر سیدمحسن تقوی (بیماری‌شناس گیاهان، عضو هیأت علمی دانشکده کشاورزی و معاون آموزشی دانشگاه شیراز)
۳۸. دکتر پرویز شیشه‌بر (حشره‌شناس، عضو هیأت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه چمران اهواز)
۳۹. دکتر محمد مهرآبادی (حشره‌شناس، عضو هیأت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس)
۴۰. دکتر آرش راسخ (حشره‌شناس، عضو هیأت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز)
۴۱. دکتر علی افشاری (حشره‌شناس، عضو هیأت علمی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی گرگان)
۴۲. دکتر علیرضا منفرد (حشره‌شناس، عضو هیأت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه یاسوج)
۴۳. دکتر محمدرضا نعمت‌اللهی (حشره‌شناس، عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی اصفهان)
۴۴. دکتر محمدسعید امامی (حشره‌شناس، عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی اصفهان)
۴۵. دکتر علیرضا حق‌شناس (حشره‌شناس، عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی اصفهان)
۴۶. دکتر محمدحسن بشارت‌نژاد (حشره‌شناس، عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی اصفهان)

گزارش

خیز اصلاح‌طلبان شورا برای هیأت‌رئیسه

۱۳+؟

● درحالی‌که اصولگرایان با تعداد بیشتری که در میان ۳۱ عضو شورا دارند، از چندی قبل ترکیب قبلی خود با محوریت مهدی چمران را برای انتخابات سال آخر هیأت‌رئیسه شورای چهارم اعلام کرده بودند، فراکسیون اصلاح‌طلبان نیز از تشکیل جلسه و اعلام گزینه نهایی اصلاح‌طلبان برای انتخابات هیأت‌رئیسه؛ یعنی احمد مسجدجامعی خبر دادند. در حالی این فراکسیون هنوز ترکیب پیشنهادی خود برای اعضای هیأت‌رئیسه را اعلام نکرده است که سه‌شنبه هفته بعد انتخابات برگزار خواهد شد.

محمدمهدی تندگویان در مورد برنامه اصلاح‌طلبان برای انتخابات هیأت‌رئیسه آتی، با بیان اینکه جلسات اصلاح‌طلبان برای انتخاب گزینه ریاست برگزار شده و نهایتا «احمد مسجدجامعی» به عنوان گزینه ریاست شورا انتخاب شد، گفت: بااین‌حال هنوز روی گزینه‌ها برای ترکیب هیأت‌رئیسه تصمیم‌گیری نشده است.

همان‌طور که از پاسخ‌های تندگویان به ایسنا مشخص است، اصلاح‌طلبان برنامه‌ریزی مشخص و جدید و تلاشی مضاعف در مورد این انتخابات در هیأت‌رئیسه ندارند و به قول تندگویان، در سال آخر مدیریت شهری قرار داریم و عملا هفت ماه از کار اجرائی شورا و شهرداری باقی مانده و به نظر نمی‌رسد در این مدت کوتاه تغییر رویه‌ای در عملکرد ایجاد شود. تندگویان هم همانند سالاری و چند عضو دیگر که در این روزها اظهاراتی در مورد انتخابات هیأت‌رئیسه داشته‌اند می‌گوید اصلاح‌طلبان برای همراه‌کردن آرای سایر اعضا از جمله ورزشکاران یا برخی اصولگرایان، تلاشی ندارند. این عضو شورا تصریح کرد: سال گذشته در انتخابات هیأت‌رئیسه یک رأی سفید در میان آرا وجود داشت که این نشان می‌دهد تعدادی از اصولگرایان از مدیریت چمران راضی نیستند و احتمالا در انتخابات هیأت‌رئیسه آتی نیز تعداد رأی‌های سفید در پی نارضایتی از مدیریت چمران در طیف اصولگرایان بیشتر خواهد شد.

سخنگوی فراکسیون اصلاح‌طلبان در شورا تأکید دارد که تکلیف رأی چند عضو ورزشکار شورا مشخص است و به نظر می‌رسد آنها برای رأی‌دادن روی گزینه قبلی خود ایستاده‌اند. تندگویان می‌گوید ممکن است در پی جلسات و ملاقات‌ها عده‌ای از اعضای شورا به ما قول‌هایی بدهند که رأیشان را در سبد اصلاح‌طلبان بیندازند؛ اما معتقدم نباید روی این قول‌ها حساب کرد. وی با بیان اینکه تعداد اعضای اصلاح‌طلب و آرای آنها مشخص است، گفت: جریان اصلاح‌طلبی شورای شهر که مسجدجامعی را گزینه ریاست انتخاب کرده است، ۱۳رأی دارد، هرچند که برخی عنوان کردند اگر تعداد آرای ما به ۱۵ برسد به گزینه ما رأی خواهند داد، اما به‌شخصه معتقدم نمی‌توان روی وعده‌های اعضا اتکا کرد!

اما احتمال وقوع اتفاقی که تندگویان در مورد رأی‌های سفید مطرح کرده در این دوره از انتخابات هیأت‌رئیسه زیادتر شده است. اعتراض‌های بسیاری که در یک‌سال گذشته در مورد عملکرد رئیس شورا و اعضای هیأت‌رئیسه از سوی اعضا وجود داشته، عمدتا بدون پاسخ و حل‌نشده باقی مانده است. نامه‌ها و پیگیری‌های متعددی به گفته اعضای شورا در کشوی میز چمران باقی یا با برخورد و تصمیم شخصی او متوقف مانده است. اگرچه در این روزها ورزشکاران شورا به‌عنوان اقلیتی که تغییر موضع زیادی در این سال‌ها داشته‌اند، اظهاراتی نزدیک به تأیید جریان اصولگرا و همراهی با آنها داشته‌اند، اما تجربه رفتارهای اعضا تا زمان اخذ رأی نشان داده، نباید خیلی روی این اظهارات حساب باز کرد. تقریبا بخش عمده ۳۱ نفر فعلی شورای چهارم، برای حضور در فهرست ۲۱ نفره شورای پنجم آماده شده‌اند و این یعنی قرار است تعداد صندلی‌ها کمتر شود؛ بااین‌حساب ممکن است برخی از اعضا در سال آخر شورا و در آستانه انتخابات ترجیح دهند با رئیسی کار کنند که راحت‌تر اجازه صحبت و نطق‌کردن را به آنها بدهد، نه‌فقط در روزهای باقی‌مانده تا انتخابات هیأت‌رئیسه!

Korea Premium Selection

تورهای تابستانی
در سطحی متفاوت

کره جنوبی

۳ شب سئول + ۳ شب جیجو

مارکوپولو گروه گردشگری
WWW.MARCOPOLO.IR
نامی معتبر در صنعت گردشگری

تعطیلات
تجریش ،ابتدای شریعتی
۲۹۶۹
WWW. holidayiran.ir

سیاره توریستی
میدان فاطمی،ساختمان فاطمی
۸۸۹۵۲۳۲۳
WWW.sayyareh.com

گالیور
میرداماد، برج آرین،۲۰۳
۲۲۲۲۶۲۳۵
WWW.gulliveriran.com

کیان
قایم مقام فراهانی ، شماره ۷۵
۸۸۸۴۱۱۲۸
WWW.kianagency.com

سفرهای ایده آل
دکتر بهشتی ،نرسیده به سهروردی
۸۸۴۷۱۸۲۰
WWW. idealtravel.ir

روابط عمومی
marcopolo.ir
pr@marcopolo.ir
۸۸۵۳۰۶۳۰